

آموزش توحیدمحور

عامل دوم فریب انسان: دنیا

تعبیر قرآن در مورد دنیا به ۴ دسته کلی تقسیم می شود:

۱. گذرا بودن:

تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

تا امر گذرای زندگی دنیا را که به زودی تمام می شود به دست آورید دنیا گذرا و کوتاه مدت است پس جایی برای دلبستگی ندارد.

تشبیه زیبای قرآن از گذرا بودن دنیا:

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرٌ نَّالِيًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۴﴾

در حقیقت، داستان زندگی دنیا [در زودگذر بودن] مانند آبی است که از آسمان نازل کردیم، پس گیاهان و رویدنی های زمین از آنچه مردم و چهارپایان از آن می خورند، با آن آب در آمیخت [و رشد و نمو یافت] تا آن گاه که زمین [سرسبزی و نهایت زیبایی و] زینتش را [از آن همه رویدنی های رنگارنگ همچون عروس] بر خود گرفت، و اهل آن گمان کردند که قدرت [هر نوع بهره برداری را] از آن [چهره زیبا و آراسته] دارند، [که ناگهان] فرمان ما در شبی یا روزی [به صورت سرمای سخت یا صاعقه ای آتش زا یا توفانی بنیان کن] به زمین رسید، پس همه گیاهان را به صورت گیاهان خشک درو شده در آوردیم که گویی دیروز [چنین زراعتی] وجود نداشته. این گونه نشانه ها [ی قدرت خود] را برای گروهی که می اندیشند، بیان می کنیم.

آموزش توحیدمحور

۲. عامل فریب بودن:

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (آل عمران / ۱۸۵)

و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

سه وجه برای فریب بودن دنیا بیان شده:

الف- دنیا کوتاهمدت است ما فکر می کنیم طولانی است.

ب- امر بی ارزش نسبت به آخرت.

ج- ما را از خود خدا غافل می کند.

۳. لهو و لعب بودن:

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت / ۶۴)

این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است ای کاش می دانستند.

لهو به معنای چیزی است که انسان را از هدف اصلی باز می دارد و لعب به معنای بازی؛ یعنی امر بی هدف و بی غرض.

۴. ابزاری بودن هویت دنیا نسبت به آخرت:

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ (رعد / ۲۶)

زندگانی دنیا نسبت به آخرت چیزی جز وسیله نیست.

آموزش توحیدمحور

امور حقیقی و اعتباری

دنیا تماماً شکل گرفته از اعتباریات و فرض‌ها اگر فرض‌هایی باشد که منجر به واقعیت شود ارزشمند و مثبت است مثل قوانین راهنمایی‌وراندگی اما اگر در همان حد فرض و اعتبار باقی باشد رهن عمر و مرتع شیطان است مثل اینکه فردی رئیس اداره‌ای می‌شود و توهم می‌کند وقتی رئیس شد چیزی به او اضافه شده و بقیه باید به او احترام بگذارند و حال اینکه انسانی که مسئولیت گرفت اگر در خدمت به خلق استفاده کرد این امر اعتباری را گره زده به امر حقیقی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ

رئیس هر گروهی، خادم آن گروه است.

این حدیث به این معنا است که هر کسی بیشتر خدمت کند، این شخص اولای به سیادت است؛ بنابراین برای اینکه بفهمیم سید قوم کیست، سراغ حسب و نسب و اسم و عنوان نرویم؛ بلکه برویم سراغ اینکه ببینیم چه کسی بیشتر به این قوم خدمت می‌کند، او سید قوم است.

آموزش توحیدمحور

توضیح اسلایدها

به فرموده استاد:

وقتی که من دل از دنیا بیرون فرستاده باشم، هر کاری که در دنیا بکنم الهی است؛ چه بخورم، چه بخوابم و اگر دل از دنیا بیرون نفرستاده باشم، هر کاری بکنم دنیایی است، چه نماز بخوانم و روزه بگیرم و چه عرفان و کلام قدیم و جدید بگویم، همه‌اش به این دنیا بر می‌گردد. **این بسط وجودی من است که من را از این دنیا بیرون می‌برد.**

دنیا امر ارزشی یا ضدارزش

قرآن کریم و روایات دو رویکرد متقابل در برخورد با این مسئله دارند

۱. در برخی موارد از دنیا تعریف شده امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنَهَا وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ انْتَعَزَ بِهَا؛ مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مَصَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَ مَنَجَّرُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ؛ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رَبُّوا فِيهَا الْجَنَّةَ؛ همانا دنیا سرای راستی برای راست گویان، و خانه تندرستی برای دنیا شناسان، و خانه بی نیازی برای توشه گیران، و خانه پند، برای پندآموزان است. دنیا سجده گاه دوستان خدا، نمازگاه فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا، و جایگاه تجارت دوستان خداست، که در آن رحمت خدا را به دست آوردند، و بهشت را سود بردند.

۲. در نقطه مقابل، در برخی مواضع دنیا طوری مذمت شده که گویا هیچ فائده‌ای ندارد مثل اینکه خداوند دنیا را خانه فریب معرفی می‌کند. حال دنیا امر ارزشی است یا ضدارزش؟

پاسخ این است که دنیا به خودی خود خنثی است؛ اما اگر به‌عنوان ابزار حرکت به طرف آخرت استفاده شود امر ارزشی است؛ اما اگر دنیا را مستقل فرض کنیم امر ضدارزش که موجب غفلت خواهد شد هر جا که از دنیا مذمت شده دل‌بستگی به دنیا و غفلت از بعد پنجم (بی‌نهایت) مدنظر است. دنیا در قرآن به چهار صورت توصیف شده است: اول گذرا بودن که با کلمه (عرض) آن را بیان نموده است.

(عرض) در معنای دنیا به معنای امر گذرای است که زود تمام می‌شود دوم عامل فریب بودن که سه وجه برای آن بیان شده اول: کوتاهی زندگانی دنیا که ما را از حقیقت (مرگ) غافل می‌کند و دوم: امر کم‌ارزش: دنیا برای انسان آن قدر جذاب می‌نماید که انسان را از عالم آخرت و بعد پنجم ما غافل می‌کند. در دنیا ما می‌دانیم نماز اول وقت بسیار ارزشمند است؛ ولی یک بازی فوتبال یا یک غذا و یک پست آن قدر لذیذ و جذاب جلوه می‌کند که هنگامی که به آن مشغول می‌شویم از نماز اول وقت باز می‌مانیم وجه سوم که از همه مهم‌تر است این امر کوتاه‌مدت و بی‌ارزش ما را از خود خدا غافل می‌کند زمانی فرامی‌رسد که انسان می‌فهمد این دنیا مخلوق خداست فقر و ربط است و استقلال ندارد؛ ولی انسان بالاخره به آن دل‌بسته می‌شود و ویژگی دنیا این است که خودش را جدای از خداوند به ما نشان می‌دهد وقتی به پدیده‌های اطرافمان نظر می‌کنیم حالمان این‌طور نیست که در همه آنها و با همه آنها خداوند را مشاهده کنیم این سه خصوصیت باعث شده که دنیا (متاع الغرور) معرفی شود.

خصوصیت سوم لهو و لعب بودن دنیا است لهو به معنای سرگرمی یعنی چیزی که انسان خودش را به آن مشغول می‌کند و از هدف اصلی بازمی‌ماند و لعب به معنای بازی و امر بی‌هدف است. هر کاری در دنیا، اگر نظر به آخرت نباشد مثل بازی کودکان است کودکان وقتی با آجرهای اسباب‌بازی ساختمان می‌سازند هیچ غرضی بر این کار بار نمی‌شود جز لذت وقتی ساختمان ساخته شد این عمل همین‌جا قطع و تمام می‌شود دنیا هم همین‌طور است هر چه هست همین است و اثر و دنباله‌ای بر آن بار نمی‌شود.

خصوصیت چهارم ابزاری بودن هویت دنیا نسبت به آخرت است که روشن است.

آموزش توحیدمحور

امور حقیقی و اعتباری

یکی از اموری که فهم آن در بسیاری از امور زندگی مفید است بحث اینکه انسان در حقیقت زندگی کند نه در خیال و امور فرضی، امور حقیقی اموری هستند که با ابزار مادی قابل اثبات است اگر از و می توان آنها را یافت؛ اما امور اعتباری و فرضی قوامش به فرض کننده است و اگر ما آن فرض و خیال را نکنیم در خارج وجود ندارد مثل ریاست و پست های اجتماعی و سیاسی حالا امور اعتباری و فرضی انواع و مراتبی دارند مرتبه اول: صرفاً چیزی را فرض کنیم؛ اما در خارج نباشد؛ مثلاً فرض کنیم وسط این سالن درختی باشد. نوع دوم اعتبار: چیزی که نیست را فرض کنیم هست؛ ولی خودمان باور نمی کنیم که هست مانند بازی پانتومیم یا اجرای نمایش باور نمی کنیم که هست و به اشتباه نمی افتیم که آن را وجود حقیقی بپنداریم در یک نمایش نامه فرض می کنند که فلانی پادشاه است سپس مثل پادشاه حرف می زند دستور می دهد و دیگران هم باید مثل پادشاه رفتار کنند؛ ولی همگان می دانند این شخص واقعاً پادشاه نیست و فقط فرض است و خیال نوع سوم: چیزی که نیست را فرض می کنیم که هست و آن را تصدیق و بر طبق آن رفتار می کنیم این مرتبه اوج خیال بافی و اعتبار است جالب این است که نوع سوم که امری عاقلانه نیست بسیار در میان انسان ها فعال است مثلاً (ملکیت) امری است کاملاً اعتباری مثلاً من که کتاب را به شما هدیه کردم واقعاً در واقع اتفاقی نمی افتد و تنها مسئله واقعی حق تصرف در این کتاب است؛ اما معمولاً انسان ها ملکیت را امر واقعی می پندارند و هنگامی که مالک چیزی می شوند که به آن نیاز ندارند و نمی توانند از آن استفاده کنند باز هم شاد می شوند و برایش تلاش می کنند؛ مثلاً شخصی دوخانه دارد می خواهد چهارخانه داشته باشد یا یک باغ دارد دوست دارد ۱۰ باغ داشته باشد در صورتی که نه به آن نیاز دارد و نه می تواند از آن در طول عمرش استفاده کند؛ زیرا در توهم این شخص مالکیت امر حقیقی است مثل کودک بازیگری که قرار است در نمایش نامه نقش پادشاه را داشته باشد این کودک باور می کند که پادشاه شده و خوشحال می شود. البته تذکر این نکته لازم است که تمام زندگانی دنیا بر محور امور فرضی و اعتباری مدیریت می شود؛ چون روابط بین انسان ها گسترده شد نیاز به قانون دارند و قانون خود اعتبار است؛ اما اعتبارات اگر ما را به حقیقت برساند ارزشمند است؛ ولی اگر برخلاف این باشد ارزشی ندارد مثل اعتبار (ورود ممنوع) در فرض های راهنمایی و رانندگی که باعث امنیت و رفع هرج و مرج می گردد.

قرآن مجید به انواع اعتباراتی که انسان در دنیا به آن دچار است اشاره نموده و فرموده:

عَلَّمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مِصْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُورِ (حدید/۲۰)

بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در اموال و فرزندان است [مثل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی آنگاه خاشاک شود و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آموزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

مرحوم شیخ بهایی (رحمه الله) کلام لطیفی در تفسیر این آیه دارد و می فرماید:

خداوند این پنج مرتبه را به موازات سیر عمر افراد بشر بیان فرموده است؛ چون انسان در اولین مرحله از زندگی که همان دوران کودکی است به بازی مشغول می شود سپس در اوائل بلوغ به امور لهو دست می زند و در هنگام جوانی دنبال زینت و آراستگی ظاهری روی می آورد و وقتی عمر به میانه رسد به تفاخر و حس برتری طلبی می پردازد و بالاخره در اوائل پیری به دنبال زیاد نمودن اموال و اولاد رو می آورد.